

\*\* هو المؤبد \*\*

\* \* \* \* \*

ساحل بجات  
مساوات مساوات

( فعلا هفته دو بار طبع و توزیع میشود )

تاریخ دوشنبه ۷ شعبان المعظم ۱۳۲۵

\* \* \* \* \*

مؤسس کل

شرکاء مطبعه ساحل نجات

مدیر و مدیر افصح المتکلمین

مرکز اداره

انزلی مطبعه ساحل نجات

قیمت اعلانات سطر یکقران

وجه آتونه

بعد از پنج نسخه دریافت میشود

قیمت اشتراك سالیانه

کیلان ۱۸ قران

سایر بلاد داخله ۲۰ قران

روسیه و قفقاز ۵ مناط

فرنگستان ۱۴ فرانک

قیمت يك نسخه

ولایات داخله ۳ شاهی

ولایات خارجه ۴ شاهی

روز نامه آزاد ملی علمی ادبی تاریخی از حمایت مشروطه و عدالت سخن میگوید

و مقالات عام المنفعه بامضاء قبول و حق استرداد نیست

## « مشروطه یعنی چه »

در ازهان مردم رسوخ کرده که دولت ایران مشروطه است . بلی دولت ایران رسماً مشروطه است . منم میگویم مشروطه است ولی میخواهیم بدانیم گرفتاری و فلاکت ما بهین اسم رفع میشود ؟ و این اسم حرز جوادى است که اگر بازو بیندیم از شر جن ویری محفوظ میمانیم نه . بلکه باید راه بمعانی مشروطه برد . معنی مشروطیت تحدید حدود دولت و تعیین حقوق هرکس و اجرای قانون مساوات پس مادامی که حدود دولت معین نشود و حقوق هرکس محفوظ نباشد و قانون عدل و انصاف بجزی نگردد . نتوان گفت مشروطیت داریم . خیلی خوب حدود دولت ایران محدود است که دارالشوراء داریم . احوال میخواهیم بدانیم حقوق مردم محفوظ هست یا نه ؟ نه ابداع کسی محفوظ نیست . بلکه کسی نمیتواند ادعای حق خود کند . بعضی آنکه ادعای حق خود کرد و عرض خود را دارالشوراء و یا بوزیر مسئول نمود مغرضین از هرکاره بتلکرافات خبر دهند که فلان که مدعی فلان حق است بجا میگوید راه خطا میبوید چه حق دارد که حق بگوید و حق بگوید این مفسد است و اشوب طلب بلکه کافراست و زندیق . خوب . چه شد . بلی این شد که بچاره منظم احقاق حقش که نشده سهل است باید منفی و مطرود و مآخوذ و مردود شود و بجائی رود که عرب نی انداخت

( بسم الله الرحمن الرحيم )

ستایش ترا سزااست ای خالق اسمان و زمین که ما بچاره کان را از گرداب استبداد بساحل نجات عدل و داد رساندنی . کشتی شکسته ما که گرفتار چار موجه بالا شده بود به بندر خلاصی کشاندی . ما نتوانیم حق حمد تو گفتن . با همه کروبیان عالم بالا . ای خدای عادل که از این ملت جاهل نظر لطیف بر نکرستی از تو خواهیم که قلوب رمیده و اراء عذیده مارا بهم الفت دهی مرحمی از نو بر جراحات مانهی که بتوفیق تو ای خداوند از هرگونه گرفتاری و بند خلاص شویم و بسوی مناصر رویم . تو دانی که در حضور حضرت احدیت بار کران این جریده بدوش گرفته ام که بنویسم آنچه را که رشای تو است و متحمل شوم آنچه را که برای تو است . نطق و بیان تو دادی . قلم بر زبان تو نهادی . هوش و خرد از تو داریم . روی توجه بسوی تو آریم . وای بر من اگر برخلاف رضای تو گویم . و بغیر راه تو بگویم . دشمنی دشمن و دوستی دوست را مانع از حق کوئی ندانم . و بغیر حسبی الله نخوانم . مقالات من اگر همدانش ضرر جانی و مالی است بر نکارم . کرم تو دوستی از دشمنان باکی ندارم . استعانت از تو میخواهم و توفیق از تو میخواهم تا این ذره هیچ ندانم هر چه داند بنکارد و این معدوم صرف هر چه دارد بیارد . و این گرفتار اعادی خود را بتو بسپارم .

بدارالشورای می نمایند که اگر کیلان ولایت است و اگر لاهیجان و اتزلی شهر است و اگر شهرهای جزو باید انجمن ولایت داشته باشد حق ایشان را عطا کنند . و اگر باید بجهت خواستن انجمن ایشان را اشرار و مفسد قلم دهند . نه . لازم نیست . نه شیر شتر نه دیدار عرب .

( \* تکالیف امروزه ما \* )

یکی از تکالیف واجبه ما خواندن نماز است . نماز چه با می فرماید ؟ بلی خیلی چیزها را . نماز میگوید مکان اصلی نباید غصبی باشد . رسول اکرم ص ع در مکان نماز ما را ازاد کرد که در هر مکانی میتوانیم نماز بخوانیم مگر مکان غصبی

ازادیم در مکان در صورتیکه ازادی ما ضرر بغیر نرساند . تصرف در مال دیگری بدون اذن صاحب ضرر اوست . پس ازادی تا باین درجه را بمانداده است . پس ازادی که امروزه میگوئیم همان ازادی قانونی است . یعنی ازادیم در هر جا نماز بخوانیم در صورتیکه ضرر بغیر نباشد ازادیم در نوشتن در صورتیکه ابطال حق ذی حق نکنیم دروغ ننویسیم . افترا ننبدیم . تلسکراف نکنیم که فلان و بهمان از اشرارند در صورتیکه از صلاح باشند

ازادیم در گفتن ولی نه بطوری که باعث اذیت مسلمانان باشد ازادیم در جبر و اخفای صوت ولی اگر هم نشین ما از صوت ما متاذی شود در انصورت صوت ما انکرا الاصوات اصوات الخیر خواهد بود

ازادیم در اظهار عقیده ولی نه عقیده که باعث اضلال خلق باشد . ازادیم در اظهار عرایض خود ولی نه عرایضی که ضرر بر مقتشین وارد بیاورد . ما ماعا لخر نمیشویم و بچپ و راست نمیرویم

الحاصل ازادی ما را خوب است بدانیم . بلکه میخواهیم بگویم اگر ما سابق ازاد بودیم حالا ازاد نیستیم حالا ما مقید بقید قانون شدیم حالا ریسمان ما بسته بمیخ قانون است . تا انجای که میخ اجازه مدهد میرویم و چون اذن نداد لابد توقف یا مراجعت خواهیم کرد جنابعالی میدانید که ما همیشه مقید بوده ایم هم در زمان استبداد و هم در زمان مشروطیت . اما زمان

عجب ! این عیب از کجاست . از اینجا شد که يك لفظ مشروطه را ورد زبان کرده ایم و ابدا از رسوم مسلمانی خبر نداریم معنی مشروطه یعنی مسلمانی . یعنی بحق خود قانع باشیم . حق کسی را پامال نکنیم . دروغ و افتراء و تهمت نیاریم . پس دولت حقوق ما را معین کرد که همان حقوق معینه از طرف سازع مقدس باشد ولی مستبدین امضاء نمیفرمایند و مدعیان حق را تا بیای جانشان حاضرند

اهالی اتزلی يك عبرت صحیحی از اهالی رشت گرفتند چون دیدند دو مفتش از طهران آمدند و کیلا را خواستند ولایت قرار دهند اهالی رشت با ستناء مفرضین و مستبدین عموماً خواهان انجمن ابالتی شدند . مستبدین با عانت دو مفتش این همه ایالت خواه را اشرار و مفسد و آشوب طلب قلم دادند . حالا رشتی بروید از زیر این بار خارج شوند حالا عوض آنکه احقاق حق ایشان بشود و انجمن ایران شده ایشان دو باره درست شود از هر طرف بانها اضافه و تهدید هم میشود

اهالی اتزلی مردمان عاقلی بودند . متمینات دو مفتش را بظاهر قبول نمودند . چکند اگر نکنند مفسد و مفتش اند تا بیایند خود را از اسم افساد بیرون ببرند دم شتر بزمن میرسد . پس صلاح همان بود که سر خود گیرند و هر کس هر چه بگوید بپذیرند

اهالی اتزلی معاضد السلطانه و محمد صافی خان را تا دهنه پیر بازار استقبال نمودند این مهمانان مسلمان را محترماً با چند نفر از اهل رشت وارد نمودند . این دو نفر در اول تصدیق کردند که اتزلی شهر است و باید انجمن داشته باشند

ولی بعد ملتفت شدند که در این تصدیق باخته اند و خود را از ان صفراء قانع لونها تسرا ناظرین محروم ساخته اند گفتند بلی انجمن باید باشد ولی انجمن بلدی نه ولایتی

اهالی اتزلی هیچ بمقام مدافعه بر نیامدند . اخذ دیده بودند حال اهالی رشت را . بلکه گفتند هر چه رامیل داری تالیس کن نهایت آنکه اگر حق انجمن ولایتی در اتزلی داریم لابد عرض خود بدارالشورا خواهیم نمود و احقاق حق خود خواهیم کرد اکنون بهمان عقیده بتوسط این جریده عرض خود

بندرگاه را یکی از هر بسته بار یکشاهی  
میکرفت . اراضی يك ناحیه را یکی بخارجه و داخله  
میفرخت . الحق باید گفت این قطعه منتسب بایران  
بود اسمانه رسماً . ما از این مقوله اگر حرف بزنیم  
و مثنوی هفتاد من کاغذ .

بخت خواب الودمان بیدار شد . مردمان مدهوش  
هوشیار شدند . سعادت و اقبال روی بایران آورد  
و کلای انجمن ولایتی انزلی کارهای عمده پیش  
بردند . جاهای خراب را عمارت کردند . بدعتها  
برداشتند . قانونهای صحیح گذاشتند ای کاش يك  
همت دیگر می کردند کلیه قوانین سخیفه کثیفه  
استبدادیه را از میان محو می کردند

در سنه ماضیه که صیادان انزلی برای اجهاف  
لیانازوف در خصوص عمل ماهی صوف از همه  
تظلم و الحاح کردند . کس رحم بر کبوتر بام حرم  
نکرد . تلکرافات رسید که کما فی السابق را باید  
معمول داشت . اکنون که قریب باوقات صید  
ماهی است . خوب است وکلای دارالشورا و وزراء  
دربار درباره این کار دقتی فرمایند که رعیت را  
اسوده نمایند تاچه قدر ایرانی در بدر عمله خارجی  
شوند . لیانازوف از منافع ماهی صوف برافلاک  
کشد ایوان را . اما بیچاره رعیت ایرانی تمام اوقات  
چون «آدم» ابی در آب بماند و یالیتنی کنت ترابا  
بخوابد و متصل چون ماهی در تابه بریان شود و  
برای لقمه نان بدهان نهنگان رود

ما هم از وکلای دارالشورای ملی ایران و هم  
از وکلای انزلی تمنا داریم که يك فکری برای  
رعیت ایرانی کنند و ایشان را از این گرفتاری نجات  
دهند . آب شور که بکار ما نمیرفت گذاشتیم  
آب شیرین را هم بر ما تلخ می کنند . محصول  
زحمت کشیده ما چرا نصیب دیگران است

استبداد ما مقید بقلاذه حکمهای سخیف و قانون  
کثیف ظلام و حکام جور بودیم . اما ما چه مشروطیت  
ما مقیدیم بقانون شریف و دستور العمل ظریف  
عدالت . قید ایام استبداد آتش خاتمان سوز بود و قید ایام  
مشروطیت سازش راحت اندوز . در هر صورت ما  
مثل مستبدین یله ورها نبودیم

اما مستبدین که در ایام استبداد آزاد بودند و  
لحال دیده اند که باید بقید قانون مقید شوند البته  
تن بطناب نمیدهند و بکوچه علی چپ میزنند .  
این همه جانی که میکنند برای این ست که بزیر قانون  
نروند باز آزادی مطلق خود را دارا باشند پس ما و ایشان  
هر دو طالب آزادی هستیم ما آزادی بقانون ایشان آزادی  
از قانون اما از شما چه پنهان ما هر طوری شده است ایشان  
را بزیر بار قانون خواهیم آورد و اگر آنها بزیر بار قانون  
نیایند ما قانون را بحضور ایشان برده و برایشان بار  
خواهیم کرد . اگر خر نیاید بنزد يك بار . تو  
بار کران را بنزد خر آر

« انزلی » « »

از حال این بندر معروف و این سرحد مشهور  
نکارنده چنان می بیند که تا یکسال قبل مورد تاخت  
و تازغارت کنندگان بود . هر که میرسید يك تکه از  
این ملک را بیغما میبرد و میداد و می بخشید .  
بعضی را خود میبردند و بعضی را بخارجه میدادند  
آنکه قدرت داشته باشد که بگوید چرا چنین می  
کنید که بود . مسلماً یا اشرار قلم میرفت یا محل  
عمل مالیات . سرو سامان از بیچاره به بی سامانی  
میرفت « قازیان » را که می بینم قابقدرت قادر رفته  
زیان او باقی مانده . انزلی را که می بینم در  
هر محلی از او مخفی پیدا کرده بود . هر که  
میرسید يك بدعتی می نهاد . هر که میرفت يك ناحیه را  
می کشاد تخم مرغ را یکی مالیات میکرد . پل

خاموش که قصه گفتنی نیست !!!

( یاراحم المساکین )

فریدون گفت نقاشان چین را

که پیرامون خرگاهش بدوزند

بدان را نیک دارای مرد هوشیار

که نیکان خود بزرگ و نیکزورند

من میگویم اگر ماها در بندگی خدا ورفاهیت  
عباد قیم میزنیم باید بحال دل رعیت بیچاره بنالیم  
اینان که از بدو عمر تاکنون در چنگال ظلم گرفتار  
بود . انی راحت ندیده وزمانی نفسی نکشیده .

تازه بندای صیحه اسرافیل عدالت سراز قبر مذلت  
بر آورده هنوز پائی در میان قبر و پائی در لب کور  
نهاده از شدت عذاب حیران و سرگردن . کوئی  
مست باده عرفان و محو نظاره جانان است . نگاه  
می کند که چه گناه کرده که هنوز خلاص نشده  
از هر طرف بانها حمله میشود . ملاکین پر خشم  
و کین که دود از دل این مساکین بیرون آوردند  
باز کهین کرده و کمان کشاده تیرهای خرد را بر  
دل رعایا جا داده . رعیت بیچاره می بیند ای  
ملاک سفاک ( زدست صد و شصت تیر خندک  
بخوردم نالیدم از نام و ننگ ) . ( بخوردی ز ستم  
دو چوب کرین » « سرت را نهادی بقریوس زین »

رعیت بیچاره ام این همه بلیه دیدم آد نکشیدم  
بمحض آنکه دو روز دست تعدی تو بسته شده  
کوش افلاک از ناله تو خسته شده . داداش جان !  
دو روز ظلم نکن چه خواهد شد . این همه  
فریاد و فغان چرا ؟ میگوئی رعیت معنی مشروطه را  
نفرمیده . خوب . آیا تو فهمیده ؟ اگر میدانی  
معنی مشروطه اجرای قانون است پس چرا صبر

نمی کنی تا دو روز دیگر که قانون مجری شد .  
حق جا مانده تو را در صورت صاتی از رعیت بگیرد  
عجب از بعضی ارباب جراید است که در حمایت  
ملاکین از صاحب عزا بیشتر ناله ها می کنند که ای  
وای رعایا بصاحبان ملک تعدی میکنند نکارنده عرض  
میکند ملاکین عرض خود را بصاحبان جراید رساندند  
و ایارعیایا هم عرض خود را کرده اندیا نه ؟

ایا صاحبان جراید میدانند که چه بحال رعایا میکند  
؟ ایا در دوره استبداد هیچ وقت گفتیم که ملاکین  
تعدی میکنند .

نه . ان وقت ازاد نبودیم . حالا که ازادیم باز حمایت از  
ملاکین می کنیم پس چه وقت رعایت رعایا کرده  
ایم . ملاکین هر طور باشند مظلوم نخواستند بود  
ما اگر می توانیم باید کاری کنیم که رعایا مظلوم  
واقع نشوند فراش و قزاق است که مثل موشک آتش  
بازی یمین و یسار می رود . پیوسته کشتار است  
و تاراج است و ذلت هر که هم در حمایت ایشان  
حرف زد جناب ملاک او را اشرار قلم میدهند تلکراف  
برای او مایه ندارد

« اخطار »

شرکاء مطبعه انزلی خواستند جریده باسم ساحل  
نجات اداره کنند یکی از جوانان ساکن انزلی  
یک دو نمره نوشت و بی اطلاعی شرکاء طبع رسانید  
و از نمره اول بعضی ولایات هم فرستاد شرکاء  
ملفت شدند و در خصوص اداره کردن روز نامه  
ساحل نجات اهتمام فرمودند قرعه فال بنام من دیوانه  
زدند . بنده نکارنده این خدمت را بر عهده گرفته  
ام که بتوفیق خدائی و توسل بائمة طاهرین انجام دهیم  
علی هذا نمره اول دوم که بغیر آدرس بنده است داخل  
در این جریده نیست از اعتبار ساقط است . نمره اول  
از همین نمره شروع میشود